



گفت و گو با مهندس عقدائی دبیر انجمن

واگذاری شرکت‌های توزیع نیازمند تدبیر و تامل است

انجام داد؛ از طرفی دستورالعمل‌هایی هم وجود دارد که ابلاغ شده، لیکن هنوز اجرا نشده و متأسفانه رویکرد اجرایی آن نیز در بدنه شرکت‌ها تأثیر دیده نمی‌شود. ضمن اینکه از طرف هیأت تنظیم بازار، معاونت برق و

انرژی، عکس‌العملی برای

یکی از تکالیف قانونی دولت، پرداخت مابه‌التفاوت قیمت تمام‌شده و قیمت فروش برق است. اگر رقم مابه‌التفاوت را به رقم فروش برق اضافه کنیم، هزینه‌های مورد نیاز صنعت برق تأمین می‌شود

بررسی علت عدم ابلاغ دستورالعمل‌های باقی‌مانده و نیز پیگیری و درخواست اجرای دستورالعمل‌های ابلاغ شده به

چشم نمی‌خورد و تا قبل از اجرا شدن این دستورالعمل‌ها به صورت واقعی، نمی‌توان انتظار تغییر داشت.

آیا تحلیل اقتصادی انجام

مانند وزارت امور اقتصاد و دارایی و معاونت برنامه‌ریزی راهبردی ریاست جمهوری رخ داده است، می‌تواند راهگشای برون‌رفت از بحران مالی صنعت توزیع برق باشد؟ یا تمهیداتی نیز در مصوبه‌های قانونی مجلس، مورد نیاز است؟

به نظر من سیاست‌های دولت جدید و سازمان‌های مرتبط از قبیل وزارت امور اقتصاد و دارایی و وزارت نیرو و غیره می‌تواند تأثیر بسیار مثبتی در روند شرکت‌های توزیع نیروی برق داشته باشد. قطعاً بازنگری در برخی از مصوبه‌ها توسط مجموعه قانون‌گذاری کشور و نیز تسریع در ابلاغ و اجرایی کردن دستورالعمل‌های ویژه شرکت‌های توزیع توسط وزارت نیرو مهمترین اقدامی است که در حال حاضر می‌توان

تدبیر که برنامه دولت یازدهم است، سال‌هاست در شرکت‌های توزیع برق به عنوان یک اصل سازمانی مهم مورد توجه قرار می‌گیرد. به همین دلیل صنعت توزیع برق، این دولت را فرصتی مناسب و مهم برای گذار از چالش‌های پیش‌رو و تلاش برای دستیابی به افق‌های مورد نظر خود می‌داند. به منظور بررسی و تحلیل شرایط پیش‌روی شرکت‌های توزیع، مسوولیت‌ها و نقش این شرکت‌ها در فرایند توسعه کشور گفت‌وگویی با مهندس محمدحسین عقدائی دبیر انجمن صنفی کارفرمایی شرکت‌های توزیع برق انجام داده‌ایم که از نظر می‌گذرد.

به نظر شما، آیا تحولات مدیریتی که در سطح کلان دولت و وزارت نیرو و سازمان‌های مرتبط

داده‌اید که نشان دهد شرکت‌های توزیع برق برای ارائه خدمات مطلوب و پیشبرد اهداف توسعه‌ای خود، باید چقدر پول برای توزیع هر کیلووات ساعت دریافت کنند؟

با کمک دفتر خصوصی سازی وزارت نیرو دستور العمل نرخ خدمات توزیع تهیه و از طریق وزیر وقت نیرو به کلیه شرکت‌ها ابلاغ شده است. بنده به نمایندگی از سوی شرکت‌های توزیع اعلام می‌کنم که کلیه شرکت‌ها با اجرای این دستورالعمل

کاملاً موافقت و انتظار داریم این دستورالعمل فصل الخطاب تعیین نرخ خدمات شرکت‌های توزیع و دولت یا وزارت نیرو باشد. بر اساس این دستورالعمل نرخ خدمات توزیع به صورت پارامتریک برای هر منطقه از کشور محاسبه می‌شود و بدین ترتیب عدالتی نسبی نیز در این مقوله برقرار می‌شود. من فکر می‌کنم نرخ خدمات توزیع با تعاریف و پارامترهایی که در این دستورالعمل لحاظ شده پاسخگوی

در حال حاضر بورس برق نه برای مردم مفهومی دارد و نه برای شرکت‌های توزیع مزیتی دارد. برای رونق بورس انرژی و خرید و فروش برق در آن، باید مسایل حاشیه‌ای این بورس حل و فصل شود. زمانی می‌توان به رونق بورس توجه کرد که قیمت فروش برق به مشترکان نیز بر اساس قیمت کشف شده در بورس به علاوه هزینه‌های توزیع برق تعیین شود

هزینه‌های توزیع خواهد بود مضافاً اینکه هزینه‌های پیش‌بینی شده در این دستورالعمل مشکلات مربوط به توسعه، اصلاح و بهینه‌سازی، افت توان و غیره را نیز پوشش خواهد داد.

اگر وزارت اقتصاد و دارایی و وزارت نیرو در تخصیص و تسهیم بودجه برق، به وظایف قانونی خود به صورت کامل عمل کنند، هزینه‌های خدمات توزیع به طور کامل تحقق نمی‌یابد. با این حساب، چرا چنین وضعیتی را بهتر می‌دانید؟

یکی از تکالیف قانونی دولت، پرداخت مابه‌التفاوت قیمت تمام‌شده و قیمت فروش برق است. اگر رقم مابه‌التفاوت را به رقم فروش برق اضافه کنیم، هزینه‌های مورد نیاز صنعت برق تامین می‌شود. اما زمانی که مابه‌التفاوت پرداخت نمی‌شود، این رقم به عنوان یک کمبود مالی باید بین تولید، انتقال و توزیع به صورت منصفانه تقسیم شود؛ اما این طور نیست و عمده کمبودها، به بخش توزیع تحمیل می‌شود که ایراد اساسی کار است. اگر دولت بحث یارانه‌ها را از محل مابه‌التفاوت قیمت تمام‌شده نسبت به قیمت تکلیفی تامین کند و این وزارتخانه در پرداخت‌های مالی خود، سهم بخش‌های مختلف را متناسب با هزینه‌های هر بخش پرداخت کند، در این صورت کمبود

مالی کمتری بر شرکت‌های توزیع برق تحمیل می‌شود. اما در حال حاضر عمده این کمبود منابع وزارت نیرو به شرکت‌های توزیع اختصاص می‌یابد. اما چاره کار در اجرای دستورالعمل و حصول اطمینان از پرداخت برای برق خریداری شده، مصوب وزیر وقت نیرو موضوع ابلاغیه شماره ۹۰/۱۵۱۸۱۳۰/۱۰۰ است که از وزیر محترم نیرو و معاونت محترم امور برق و انرژی انتظار دستور برای اجرای آن را داریم.

در شرایطی که بودجه سالیانه، از مابه‌التفاوت غفلت کرده‌است و شرکت‌های توزیع برق به دلیل انباشت مشکلات سال‌های اخیر، از نظر مالی نحیف شده‌اند، چه راهکاری برای بهبود وضعیت مالی شرکت‌های توزیع برق پیشنهاد می‌کنید؟

از دولت تدبیر و امید انتظار داریم که در بودجه سال ۱۳۹۳ برای این معضل اساسی، یک فکر اساسی کنده‌بیه گونه‌ای که اگر شرکت توانیر و وزارت نیرو مابه‌التفاوت قیمت تکلیفی و قیمت تمام‌شده را در بودجه‌های خود لحاظ نکند؛ نه دولت راساً به این مهم بپردازد و یا اینکه کمیسیون انرژی مجلس با منظور نمودن آن در بودجه‌های دولت این مشکل را حل کنند. باید اشاره کنم که اگر برای سال جاری در این زمینه اقدامی نشود، همچنان با بحران بدهی‌ها موجود به پیمانکاران، رکود کامل توسعه شبکه و عدم انجام اصلاح و بهینه‌سازی شبکه‌های برق همراه خواهیم بود که ریشه آن، بحران مالی است.

آیا در شرایط مالی کنونی، می‌توان شرکت‌های توزیع برق را به فعال‌تر شدن در بورس انرژی توصیه کرد؟

بورس برق تا زمانی که دولت تکلیف مابه‌التفاوت قیمت خرید برق از بازار برق یا بورس با نرخ تکلیفی فروش آن به مشترکین را تعیین نکرده باشد





و قیمت خرید برق از بورس، با قیمت فروش به مشترکان تناسب نداشته باشد، نمی‌تواند رونق بگیرد. وقتی که مسوولیت پرداخت مابه‌التفاوت بر دوش شرکت‌های توزیع باشد که هیچ ردیف بودجه‌ای برای این کار در اختیار ندارند، به هیچ وجه بورس معنا ندارد. در حال حاضر بورس برق نه برای مردم مفهومی دارد و نه برای شرکت‌های توزیع مزیتی دارد. برای رونق بورس انرژی و خرید و فروش برق در آن، باید مسایل حاشیه‌ای این بورس حل و فصل شود. زمانی می‌توان به رونق بورس توجه کرد که قیمت فروش برق به مشترکان نیز بر اساس قیمت کشف شده در بورس به علاوه هزینه‌های توزیع برق تعیین شود. در غیر این صورت، بورس انرژی در بخش برق رونق نمی‌گیرد. البته راهکار دیگری وجود دارد که شرکت‌های توزیع فقط هزینه ترانزیت خود را دریافت کنند و شرکت‌های بازرگانی برق، رابطه مالی مصرف‌کنندگان با بورس را تنظیم کنند. این روش، ایده‌آل شرکت‌های توزیع است. اگر چنین روشی پیاده شود، نیازی نیست شرکت‌های توزیع وارد بازی بورس شوند.

بدین ترتیب می‌توان واگذاری سهام شرکت‌های توزیع به بخش خصوصی غیر عمومی را چاره کار دانست. آیا در شرایط کنونی، مشتریان مناسبی برای خرید سهام شرکت‌های توزیع در بازار وجود دارد؟

در حال حاضر مشتریان مطلوبی برای خرید شرکت‌های توزیع وجود ندارد. خوشبختانه آقای مهندس چیت‌چیان وزیر نیرو نیز در مراسم معارفه خود تاکید کرد که بر این باور است که برای واگذاری شرکت‌های توزیع عجله نشود. باید صبر کنیم تا راه خصوصی‌سازی واقعی این شرکت‌ها را پیدا کنیم.

تجارت برق و بهره‌برداری شبکه، دو مقوله کاری متفاوت در شرکت‌های

توزیع برق است که واگذاری هر کدام به بخش خصوصی، الزام‌های خاص خودش را دارد.

جایگاه حاکمیت و چگونگی نظارت بر شرکت‌های توزیع، مساله کوچکی نیست و باید مکانیزم‌های آن مشخص باشد. سرمایه‌گذاری در شرکت‌های توزیع و شبکه‌ها دارای ابهاماتی است که باید پیش از خصوصی‌سازی، پاسخ آن را به روشنی یافته باشیم تا بتوان با اتکا به آن و طبق سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، شرکت‌های توزیع را به نحو مطلوب واگذار کرد. فراموش نکنیم که خصوصی‌سازی هدف غایی نیست بلکه ابزاری است برای ارتقای کارآمدی شرکت‌ها؛ به همین دلیل لازم است فرایند خصوصی‌سازی شرکت‌های توزیع متناسب با هدف نهایی آن یعنی ارتقای کارآمدی، طراحی و اجرا شود. در حال حاضر فضای مناسبی برای واگذاری شرکت‌های توزیع برق به بخش خصوصی واقعی وجود ندارد.

وضعیت کاری مدیران بخش توزیع در شرایط کنونی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

پس از پایان جنگ تحمیلی، توجه دولت در صنعت برق بر اساس ضرورت معطوف به افزایش تولید برق شد. به همین دلیل عمده رویکرد بودجه، برنامه ریزی و منابع انسانی به

سمت تولید بود. با این حال اکنون که ظرفیت نیروگاهی نصب شده در کشور به بیش از ۷۰ هزار مگاوات رسیده است، همچنان عنایت به بخش تولید، بیش از توزیع است.

در واقع توزیع برق به رغم آن که پیشانی صنعت برق است، از نظر فضای کاری در حاشیه است و تلاش می‌شود نیروهای خوب صنعت برق با امتیازهایی،

جذب بخش تولید شوند. حال آن که این روند نیازمند بازنگری است تا مدیران، کارشناسان بخش توزیع نیز از شان و منزلت و شرایط کاری بهتری برخوردار شوند.

باید اشاره کنم که مدیران عامل توزیع در شرایط کنونی، سنگ زیرین آسیاب

هستند. آنها با دشواری‌های فراوان، بهای برق را از مشترکان دریافت می‌کنند ولی خود در آخر صف دریافت کنندگان سهم از بهای فروش برق قرار دارند.

جایگاه حاکمیت و چگونگی نظارت بر شرکت‌های توزیع، مساله کوچکی نیست و باید مکانیزم‌های آن مشخص باشد. سرمایه‌گذاری در شرکت‌های توزیع و شبکه‌ها، دارای ابهاماتی است که باید پیش از خصوصی‌سازی، پاسخ آن را به روشنی یافته باشیم تا بتوان با اتکا به آن و طبق سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، شرکت‌های توزیع را به نحو مطلوب واگذار کرد.



پیشنهاد انجمن صنفی آن است که با تشکیل کارگروه ویژه، امکان فعالیت مدیران عامل سابق در قالب مشاور فنی برق در شرکت توانیر یا شرکت های برق منطقه ای با حمایت قاطع وزیر نیرو فراهم شود. بدیهی است انجمن نیز به عنوان خانه اصلی همکاران بخش توزیع همواره در خدمت این عزیزان خواهد بود و در صورت لزوم می توانند به عنوان مشاور با انجمن همکاری داشته باشند تا از توانمندی آنها استفاده شود و با تبادل و ارتقای دانش کاری، برای مسوولیت بعدی آماده شوند.

وضعیت عملکرد نیروهای کارشناسی شرکت های توزیع را چطور می بینید؟

بدنه کارشناسی شرکت های توزیع، توجه ویژه ای به خلاقیت و نوآوری های علمی دارند به گونه ای که در سال ۲۰۱۳ رتبه اول آرایه مقالات در کنفرانس سیرد استکهلم را به دست آوردیم. هر چند به دلیل برخی مشکلات نتوانستیم در آنجا حضور یابیم. اکنون بخش علمی توزیع بسیار کارآمد است و همکاران شرکت های توزیع از نظر دانش کاری و تجربه علمی در سطح خوبی قرار دارند و همتراز همکاران خود در شرکت های برتر جهانی هستند.

برای آن که این دستاورد علمی به تحول عملی در شرکت های توزیع منجر شود، صرف نظر از کمبود پول که مانع اصلی است، توجه به چه عنصری را ضروری می دانید؟

آموزش. من فکر می کنم بعد از پول، آموزش حرف اول را می زند. آموزش و اراده مدیران ارشد برای عملیاتی کردن دستاوردهای علمی، می تواند تغییرات شگرفی در شرکت های توزیع برق ایجاد کند. راهی که اکثر کشورهای پیشرفته در صنعت برق آن را طی کرده اند و در حال حاضر به عنوان یک کشور پیشرو در صنعت برق مطرح هستند.

این در حالی است که مدیران عامل شرکت های توزیع، افرادی اجرایی و مطلع به فنون کاری هستند که سوابق کاری درخشانی دارند و عمدتاً به صورت پلکانی و با طی کردن سلسله مراتب کارشناسی و مدیریتی بالا آمده اند و هیچ کدام، جهشی به مدیریت نرسیده اند. به همین دلیل، یک سرمایه انسانی قابل توجه به شمار می آیند که لازم است برای حفظ و استفاده از تجربیات و دانش کاری آنها پس از ترک مسوولیت به عنوان مدیرعامل، برنامه و روش مشخصی وجود داشته باشد تا ضمن حفظ جایگاه و منزلت آنها از ظرفیت های مدیریتی و حرفه ای آنها، صنعت برق بهره جوید.

انجمن صنفی معتقد است با تشکیل کارگروه ویژه، امکان فعالیت مدیران عامل سابق در قالب مشاور فنی در شرکت توانیر یا شرکت های برق منطقه ای با حمایت قاطع وزیر نیرو فراهم می شود؛ در این راستا انجمن نیز به عنوان خانه اصلی همکاران بخش توزیع همواره در خدمت این عزیزان خواهد بود

نوسازی و بهبود شبکه های توزیع برق با کمبود شدید مالی مواجه است و مدیران شرکت های توزیع با کمک همکاران خود، شبانه روز در تلاشند تا شبکه دچار قطعی نشود. مدیران شرکت های توزیع، پر تلاش ترین و مظلوم ترین بخش مدیریتی در صنعت برق هستند که با کمترین امکانات، شرکت های توزیع را اداره می کنند و باید قدر آنها را بیشتر بدانیم.

یکی از آفت های همیشگی در سازمان های اداری، کنار گذاشتن ناگهانی برخی افراد بدون برنامه ریزی و پیش بینی لازم برای بهره گیری از توانمندی آنهاست. در مجموعه صنعت برق کشور گروهی که در معرض بیشترین ناامنی شغلی قرار دارند، مدیران عامل شرکت های توزیع هستند. مدیران عامل شرکت های برق منطقه ای پس از پایان دوره مدیریتی، عمدتاً به عنوان مشاور مدیرعامل توانیر یا مشاور شرکت برق منطقه ای دیگری ادامه فعالیت می دهند.

کارشناسان و مدیران میانی شرکت های توزیع نیز داخل این شرکت ها جابه جا می شوند. ولی مدیران عامل شرکت های توزیع پس از ترک مسوولیت، جایگاه بعدی مناسبی پیدا نمی کنند.